جلسه 71-697

**سه‌شنبه - 13/11/94**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به بحث دیروز که صید تا ظهر روز سیزدهم حرمتش باقی می‌ماند طبق آنچه که از روایات صحیحه استفاده کردیم یک نکته‌ای باقی مانده عرض کنم.

اصل این‌که حرمت صید با طواف نساء از بین نمی‌رود و تا ظهر روز سیزدهم باقی است، این خلاف مشهور است.

صاحب جواهر می‌گوید: و اما الصید فقد ذکره المصنف هنا و فی النافع بل هو معقد النسبة الی علمائنا فی محکی المنتهی که صید هم تا طواف نساء حلال نمی‌شود این منسوب هست به علماء ما و این در منتهی المطلب نسبت داده شده که علماء ما می‌گویند لایحل الصید قبل طواف النساء.

و لکن بعد از طواف نساء این را فرض نکردند، حرمتش را مشهور قائل نشدند. و این صحیحه معاویة ‌بن عمار که و اذا طاف للنساء حل له کل شیء الا الصید را حمل کردند بر صید الحرم.

و یک وجهی هم آقای داماد ذکر کردند در کتاب الحج فرمودند ببینید شما اول صحیحه گفتید که اذا حلق او قصر حل له کل شیء الا الطیب و النساء. نگفتید الا الطیب و النساء و الصید. گفتید و اذا طاف و سعی حل له الطیب و اذا طاف للنساء حل له کل شیء الا الصید. اولش نگفتید که اذا حلق و قصر حل له کل شیء الا الطیب و النساء و الصید. این نشان می‌دهد که این ذیل که صید را مطرح می‌کرده می‌خواهد بگوید مواظب باشید صید که فقط بخاطر احرام حرام نبود صید الحرم هم حرام بوده آن را هم توجه بکنید تا در حرم هستید شما از صید الحرم اجتناب کنید.

این را عرض کردیم وجهی ندارد. ظاهر این فقد احل من کل شیء احرم منه صید الحرم که مربوط به احرام نیست. حمل بر صید الحرم عرفی نیست. و لذا مقتضای احتیاط این است که حالا چون خلاف مشهور است لااقل احتیاط بکنیم که بگوییم صید تا ظهر روز سیزدهم حلال نمی‌شود؛‌ مطلق صید. صید الحرم هم که حکم خاص خودش را دارد تا در حرم است حرام است.

[سؤال: ... جواب:] ایشان می‌گویند صدر صحیحه نگفت اذا حلق و قصر حل له کل شیء الا النساء و الطیب و الصید. ... طواف نساء در حلیت صید که ایشان می‌گوید بخاطر این‌که صدر صحیحه می‌گوید حلق و تقصیر بکنی فقط طیب و نساء حرمتش می‌ماند یعنی حرمت صید هم از بین می‌رود. حرمت صید با حلق و تقصیر برداشته می‌شود صید که به سبب احرام حرام شده است. ... ایشان ظاهر کلامش همین است بلکه صریح کلامش همین است که بعد از حلق و تقصیر صید حرام به سبب احرام، حلال می‌شود؛ چون دارد: احل من کل شیئ الا الطیب و النساء نفرمود الا الطیب و النساء و الصید. و این قرینه می‌شود که ذیلش را حمل بکنیم که می‌گوید و اذا طاف للنساء حل له کل شیء احرم منه الا الصید بگوییم می‌خواهد متذکر بشود که صید الحرم را یک وقت غفلت نکنید فکر نکنید او حلال شده. که این به نظر ما خلاف ظاهر است. با خود این تعبیر نمی‌سازد که کل شیء احرم منه؛ کل شیء احرم منه یعنی به سبب احرام بر او حرام شده باشد.

و ظاهر کلام منتهی که علماء ما گفتند تا طواف نساء نکرده صید حرام است، او هم بر خلاف فرمایش آقای داماد است.

منتها علماء مشهورشان بعد از طواف نساء گفتند این صید به سبب احرام حرمتش برداشته می‌شود؛ چون الی الابد که نیست که حرمت صید بر محرم الی الابد که نیست.

جوابش این است که روایات گفت تا ظهر روز سیزدهم نگفت الی الابد و وجهی ندارد از این روایات ما رفع ید کنیم.

منتها ماند این مطلب که بحث بود حالا این اطلاق این صحیحه که داشت تا ظهر روز سیزدهم حرمت صید می‌ماند و ظهر روز سیزدهم حرمت صید برداشته می‌شود، شامل کسی می‌شود که هنوز طواف نساء نکرده. چرا به این اطلاق عمل نکنیم؟ صحیحه معاویة بن عمار: من نفر فی النفر الاول متی یحل له الصید؟ قال اذا زالت الشمس من الیوم الثالث؛ یعنی روز سوم ایام تشریق یعنی روز سیزدهم. صحیحه حماد: من نفر فی النفر الاول فلیس له ان یصیب الصید حتی ینفر الناس. اگر بگویید این اطلاق دارد و لو طواف نساء نکردیم باز صید به سبب احرام که حرام شده بود تا ظهر روز سیزدهم حرمتش می‌ماند بعدش حرمتش از بین می‌رود طواف نساء بکنی یا نکنی مهم نیست. و آن صحیحه دیگر معاویة بن عمار که می‌گفت: اذا طاف طواف النساء فقد احل من کل شیء احرم منه الا الصید او که نمی‌گوید که اگر طواف نساء نکنی صید حرام است؛ او بر عکس، می‌گوید اگر طواف نساء بکنی فکر نکن صید حلال می‌شود؛ همه چیز حلال می‌شود ولی صید حلال نمی‌شود که با جمع بین این روایت و آن دو روایت دیگر معنایش این می‌شود که تا ظهر روز سیزدهم باید صبر کنی برای حلیت صید. فکر نکن طواف نساء بکنی صید بر شما حلال می‌شود. اما معنایش این نیست که اگر ظهر روز سیزدهم شد و طواف نساء نکرده بودی صید هنوز بر شما حرام است. معنایش این نیست. روایت می‌گوید طواف نساء سبب حلیت صید نیست؛ یعنی باید تا ظهر روز سیزدهم صبر کنی. نمی‌فهماند که اگر ظهر روز سیزدهم شد و طواف نساء نکرده بودی باز حرمت صید بر تو هست.

و لکن مشکل ما این است که مشهور به حسب ظاهر می‌گویند شخص تا طواف نساء نکند محرم است. قرآن هم می‌گوید حرم علیکم صید البرّ ما دمتم حرما. آیه دیگر هم می‌گوید و اذا حللتم فاصطادوا. مشهور علی ما هو الظاهر معتقدند که اصلا تا طواف نساء نکرده این شخص هنوز محرم است چون یحرم علیه النساء.

[سؤال: ... جواب:] محرم به چه معنا؟ الان مردم روز عید که حلق و تقصیر می‌کنند می‌گویند از احرام خارج شدیم؛ فکر می‌کنند احرام یعنی همان حوله‌های احرام. و لذا در عمره مفرده بعد از تقصیر فکر می‌کنند ما از احرام خارج شدیم. اما برخی معتقدند که هنوز اعمال عمره مفرده تمام نشده و هنوز برخی از محرمات احرام بر او حرام است. طواف نساء چون نکرده جماع که یقینا حرام است بقیه استمتاعات را هم مشهور حرام می‌دانند. ... کلام در این است که از نظر شرعی گفته می‌شود هذا محرم؛ أی: حُرم علیه النساء.

بنابر این نظر، آن عرض دیروز ما درست می‌شود. تا طواف نساء نکند حرم علیکم صید البر ما دمتم حرما؛ اذا حللتم فاصطادوا. و این دو تا روایت صحیحه یا حکم حیثی دارند می‌گویند؛ حکم حیثی یعنی از حیث زمان مشکل‌تان حل شد. ناظر نیست که اعمال‌تان را انجام داده‌اید یا نه. فکر نکن اعمالت تمام شده صید بر شما حلال می‌شود؛ باید صبر کنی تا روز سیزدهم. اگر بگوییم اصلا ناظر نیست به فرضی که اعمال ناقص مانده که هیچ. اگر بگوییم: اطلاق دارد، اطلاق این دو تا روایت می‌شود مخالف اطلاق کتاب. اطلاق کتاب می‌گوید حرم علیکم صید البر ما دمتم حرما.

[سؤال: ... جواب:] الا الطیب و النساء. پس الان محرم حیثی است؛ از حیث طیب و نساء محرم است. یعنی داخل است در حرمان از طیب و نساء. بعد از طواف و سعی هم داخل است در حرمان نساء. عرض کردم ظاهر برخی از کلمات از جمله آقای خوئی این است. طبق این بیان همان می‌شود که گفتیم: جمع باید بشود بین طواف نساء تا ظهر روز سیزدهم؛ هر دو کنار هم باشد تا صید حلال بشود.

اما ما خودمان مناقشه داریم. همین اشکالی که آقایان در ذهن‌شان دارند. برای ما واضح نیست که در عرف الآن‌که نمی‌گویند به این آقا محرم. حلق و تقصیر کرد عرف الان نمی‌گوید محرم. شاید در عرف زمان ائمه به این نمی‌گفتند محرم. آیه هم که تعیین مصداق نمی‌کند؛ می‌گوید حرّم علیکم صید البر ما دمتم حرما. اما تا کی محرم هستید؟ آیه که بیان نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] نه؛ مادامی که حرام است نساء. ... محرم هستید به نساء؛ از حیث نساء. قبل از طواف نساء را می‌خواهیم بگوییم. می‌خواهد بگوید روز سیزدهم شد. یا اگر این روایت روز سیزدهم را قبول نکردید مثل مشهور، برای چی مشهور گفتند تا طواف نساء نکنی صید بر شما حرام است؟ احتمالا به اطلاق حرم علیکم صید البر ما دمتم حرام تمسک کردند. گفتند این محرم است از نساء. پس این محرم است. نمی‌شود به قول مطلق بگوییم هذا محل. وقتی به قول مطلق نمی‌شود هذا محل پس و اذا حللتم فاصطادوا شاملش نمی‌شود. ولی ما شبهه داریم می‌گوییم الان عرف به این شخص نمی‌گوید محرم. بعید نیست بگوید محل. و لذا یا اطلاق دارد این دو تا صحیحه که می‌گفت ظهر روز سیزدهم شد حلال می‌شود صید اطلاق دارد سواء طاف للنساء بل سواء طاف و سعی ام لا. اگر هم اطلاق نداشته باشد دلیل بر حرمت نداریم. اگر اطلاق داشته باشد نفی می‌کند لزوم طواف و سعی و طواف نساء را برای حلیت صید. می‌گوید ظهر روز سیزدهم شد حلال می‌شود صید؛ سواء طاف و سعی او طاف للنساء ام لا.

ما دیروز مناقشه می‌کردیم در این اطلاق. ولی ظاهرا این مناقشه ما اگر به عرف رجوع کنیم که بالاخره انسان احساس می‌کند که اشکال وقتی مقبول نشد بیشتر باید تامل کند در بحث ظهورات، ما اصرار نداریم ادعای انصراف کنیم. یعنی بعید نمی‌دانیم فکر کردیم بعید نیست کسی ادعای اطلاق کند؛ بگوید که صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید: من نفر فی النفر الاول متی یحل له الصید؟ قال اذا زال الشمس من الیوم الثالث. کسی بگوید اطلاق دارد. بعضی‌ها طواف و سعی و طواف نساء‌شان را می‌گذاشتند بعد از ایام تشریق انجام می‌دادند. ما اصراری نداریم ادعای انصراف کنیم. بلکه با صراحت می‌پذیریم که اطلاق بعید نیست.

و اگر شبهه کردیم در اطلاق به اصل برائت رجوع می‌کنیم از حرمت صید؛ چون استصحاب بقاء حرمت را استصحاب در شبهات حکمیه می‌دانیم؛ جاری نمی‌دانیم. آن‌هایی که مثل مشهور استصحاب در شبهات حکمیه را جاری می‌دانند آن‌ها تنها راه‌شان این است که بگویند این دو تا روایت اطلاق دارد. می‌گوید بعد از ظهر روز سیزدهم صید حلال است مطلقا چه قبلا اعمال را انجام دادی چه ندادی؛ طواف و سعی و طواف نساء کردی چه نکردی. اما که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول نداریم، شک هم بکنیم در این اطلاق، فرض این است که در اطلاقی که مثبت حرمت صید باشد نداریم. رجوع می‌کنیم به اصل برائت از حرمت صید بعد از ظهر روز سیزدهم و لو هنوز طواف و سعی و طواف نساء را انجام نداده. منتها چون این خلاف آن تعبیر علامه است که ظهور در اجماع دارد که مذهب علمائنا این است که تا طواف نساء نکرده حرمت صید باقی است، مناسب هست که مراعات این اجماع منقول یا مراعات این فتوای مشهور بشود.

[سؤال: ... جواب:] بله. ... او که اصلا زمان را قبول ندارد که ظهر روز سیزدهم را قبول ندارد. می‌گوید تا طواف نساء نکند صید بر او حرام است عند علمائنا.

[سؤال: ... جواب:] تا کی؟ ... این نظر مشهور است. ما برای ما روشن نیست؛ شاید این ماهیت اعتباریه تا حلق و تقصیر باشد؛ بعدش ماهیت اعتباریه نباشد. ... همین ماهیت اعتباریه که شما می‌گویید، برای ما روشن نیست. ... اما مادمتم حرما صادق است بر این شخصی که حلق و تقصیر کرده؟ ... عقد احرام تا کی؟ الی الابد؟ ... این مصادره به مطلوب شد. شما می‌گویید محرم کسی است که در یک حالتی قرار می‌گیرد که بعضی چیزها بر او حرام بشود؛ خب این را عرض کردیم آقای خوئی ظاهر کلام‌شان این است. بعید هم نیست مشهور هم این را بگویند. برای ما واضح نیست. ... خود شارع کجا مشخص کرده؟ ... همین که اکثر چیزها حلال شده فقط مانده نساء و طیب، آیا عرف و شرع اینجا اعتبار محرم بودن کردند؟ یا اعتبار محرم بودن نکردند؟ اگر برای شما واضح است ما که حرفی نداریم.

[سؤال: ... جواب:] واضح نیست. ولی استصحاب بقاء احرام استصحاب یا در شبهه حکمیه است اگر احرام را حالت اعتباریه شرعیه بدانیم؛ یا شبهه مفهومیه است اگر یک امر عرفی بدانیم. اگر امرعرفی بدانیم شبهه مفهومیه است که آیا مفهوم محرم بر این آقایی که حلق و تقصیر کرده صادق است یا نه؟ استصحاب در شبهات مفهومیه جاری نیست. اگر بگوییم حالت اعتباریه شرعیه است که بعید نیست که بگوییم تلبیه سبب یک حالت اعتباریه شرعیه است، من لبی فقد احرم، آن‌وقت استصحاب بقاء این حالت اعتباریه شرعی می‌شود استصحاب حکم شرعی؛ و همان مشکل استصحاب در شبهات حکمیه را دارد که ما جاری نمی‌دانیم.

مسأله 408. در مسأله 408 بحث در این بود که اگر کسی نسیانا یا جهلا حلق و تقصیر نکند، از منی خارج بشود، آقای خوئی فرمود اگر می‌تواند باید برگردد منی برای حلق و تقصیر.

در ناسی صحیحه حلبی دلیل بود: رجل نسی ان یقصر حتی ارتحل من منی قال یرجع الی منی حتی یلقی شعره بها.

در جاهل روایت علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر هست که آقای خوئی می‌گویند سندش ناتمام است بخاطر علی بن ابی حمزه بطائنی. می‌گوید: سالته عن رجل جهل ان یقصر من راسه او یحلق حتی ارتحل من منی. قال فلیرجع الی منی یحلق شعره او یقصر. و لکن ایشان می‌فرمایند مهم نیست؛ نسیان با جهل عرفا فرق نمی‌کند در این حکم. وقتی راجع به ناسی گفتند یرجع الی منی، حجش صحیح است و لو تاخیر انداخته است حلق و تقصیر را، ولی حجش صحیح است برگردد منی حلق و تقصیر بکند، بگوییم جاهل حکم ناسی را ندارد؟ این را نمی‌توانیم بگوییم.

این فرمایش ناتمام است؛ برای این‌که جاهل مقصر مثل ناسی است؟ ناسی عادة مقصر نیست. حالا جاهل قاصر می‌گویید عرفا فحوی عرفی شاملش می‌شود. البته مشهور در حدیث لاتعاد که می‌گویند فقط مختص ناسی است. جاهل قاصر مشمول حدیث لاتعاد نیست؛ فضلا عن المقصر. ولی ما بعید نمی‌دانیم الغاء خصوصیت بکنیم حداقل در این مواردی که مطرح هست الان، احتمال خصوصیت عرفی نیست. ولی جاهل مقصر چی؟ پس بهتر این است که بگوییم اصلا دلیل بر منع نداریم از اول. اصلا حلق و تقصیر زمان ندارد؛ تا ذیحجه هست، حلق و تقصیر هم هست. فوقش در ایام تشریق در منی حلق و تقصیر نکرد، فدای سرش. فوقش این است که کرایه ماشین می‌دهد بر می‌گردد منی حتی اگر عالم باشد.

[سؤال: ... جواب:] ذیحجه؛ چون الحج اشهر معلومات. حلق و تقصیر جزء مناسک حج است.

اگر برای بعد از ذیحجه بحث می‌کنید واقعا مشکل است؛ اصلا این روایت اطلاق ندارد نسبت به ما بعد ذیحجه. حتی ارتحل من منی؛ نگفت حتی ارتحل من مکة. ارتحال من منی یعنی همان چند روز بعد از یوم العید. نه این‌که بیست روز بعد از یوم العید که ذیحجه تمام شده، محرم الحرام شروع شده. محرم مانده مکه چکار کند؟ بیاید عزاداری کند برای ابی عبدالله. معمولا هم نمی‌مانند آنجا. این ظاهر حتی ارتحل من منی همان ماه ذیحجه است. پس اگر ماه ذیحجه را می‌گویید اصلا دلیل بر منع نداریم؛ از اول چرا مانع تراشی می‌کنید؟

[سؤال: ... جواب:] این روایات شاملش نمی‌شود. روایات دیگر هست؛ مثلا صحیحه مسمع هست: رجل نسی ان یحلق راسه او یقصّر حتی نفر قال یحلق فی الطریق او این کان. که این ظاهرش نفر از مکه است؛ چون دارد فی الطریق؛ نگفت فی مکة. یحلق فی الطریق او این کان. او در مورد ناسی است. کسی که فراموش کرد حلق و تقصیر کند، آمده ما محرم هم شده، این‌که می‌شود. در سفر می‌شود؛ آمده دیگه. یادش آمد ما امسال برای همه تقصیر کردیم یادمان رفت خودمان تقصیر کنیم. حالا بگذریم که آقای سیستانی می‌گویند تقصیر همه هم باطل است؛ چون تو قبل از تقصیر سر همه را کوتاه کردی. حالا حداقل این است که خودش فراموش کرده تقصیر را. می‌گوید یحلق فی الطریق او این کان. اطلاق دارد؛ و لو بعد از ماه ذیحجه.

[سؤال: ... جواب:] این کلام کیست؟ ... خود قرآن می‌گوید: ثم لیقضوا تفثهم. شما می‌گویید که الحلق و التقصیر سنة؟ محلقین رئوسکم و مقصرین. حالا شما می‌گویید الحلق و التقصیر سنة؟

اما راجع به ناسی این مطلب هست. نمی‌شود تعدی کرد به جاهل مقصر. مشکل دارد؛ جاهل مقصر مقتضای قاعده این است که ماه ذیحجه شده؛ خب حجش باطل است؛ حلق و تقصیر نکرده.

این‌که امام دارند اگر ده سال هم بگذرد، این‌هایی مسأله نمی‌دانستند سال اول حج‌شان تقصیر کردند امام می‌فرمایند بنابر احتیاط واجب مجزی نیست در صروره تقصیر، باید حلق کنند، حلق نکردند ده سال هم گذشته، باید بروند سلمانی بگویند یک تیغ خوب بیاور و سر ما را حلق کن و نیت هم می‌کند حلق حج ده سال پیش، تازه از احرام خارج می‌شود.

می گوییم اگر این جاهل مقصر است، در این ده سال چه کار می‌کرد؟ ماه ذیحجه گذشت در سال حجش، کی می‌گوید اصلا این حجش صحیح است؟ کی می‌گوید این حلق و تقصیر مجزی است؟

[سؤال: ... جواب:] او در ناسی است. رجل نسی ان یحلق راسه او یقصر.

[سؤال: ... جواب:] نه؛ جاهل مقصر؟ نه. در کفارات بله؛ در ترک صلاة طواف، بله. چون روایات داریم. در مرتکب محرمات احرام عن جهل و لو تقصیری کفاره ندارد؛ روایت داریم. در ترک صلاة طواف الجاهل بمنزلة الناسی روایت داریم. ... ناسی مقصر کیست؟ ظاهرش این است که این ناسی، ناسی به قول مطلق مقصر را شامل نمی‌شود. ناسی است. مقصر که می‌گوییم نه ترک تحفظ؛ مقصری که مستحق عقاب است. ترک تحفظ که عقاب ندارد.

اصلا یک چیزی بالاتر به شما بگویم. ما یک شبهه ای داریم به عنوان شبهة فی قبال البدیهة تلقی کنید. این صحیحه مسمع ممکن است حتی راجع به ناسی هم اطلاق نداشته باشد که بعد از ماه ذیحجه حل و تقصیرش مجزی است. چرا؟ برای این‌که ناظر به شرائط حلق و تقصیر که نیست. می‌گوید حلق یا تقصیر بکند در راه یا هر کجا هست؛ اما شرائط حلق و تقصیر چیست؟ شرائط را جای دیگر گفتیم. گفتیم حلق و تقصیر مثل مناسک حج باید در ماه ذیحجه باشد. گفتیم. اگر در خصوص یا مورد متعارف انقضاء ماه ذیحجه بود، فرمایش شما درست بود. اصلا مورد متعارف مثل نسیان طواف فریضه حتی رجع الی بلده، خب مورد متعارفش این است که رجوع به بلد که فقط مدینه منوره که نبود، رجوع به کوفه بود رجوع به خراسان بود.

[سؤال: ... جواب:] آن روایاتی که نسی طواف الفریضة حتی رجع الی بلده قال یوکل من یطوف عنه.

بله او اصلا مورد متعارفش انقضاء ماه ذیحجه است. اما این روایت می‌گوید: رجل نسی ان یحلق راسه او یقصر حتی نفر قال یحلق فی الطریق او این کان؛ اما حلق با شرائط. حلق با شرائط یکی شرط زمانی است. شرط مکانی الغاء شد؛ شد یحلق فی الطریق او این کان. اما شرط زمانی را چرا الغاء می‌کنید؟

[سؤال: ... جواب:] لازمه اطلاق است نه لازمه اصل خطاب است. لازمه اطلاق مگر نمی‌گویید هست؟ ما می‌گوییم انصراف دارد یحلق فی الطریق او این کان به آن حلق واجد شرائط. حلق واجد شرائط را در خطابات دیگر گفتند. حلق واجد شرائط این است که در ماه ذیحجه باشد. شرط مکانی الغاء شده. اگر متعارف بود انقضاء زمان ما آن را هم قبول می‌کردیم. ... عرض کردم این شبهه هست.

ولی مشهور از این گونه روایات اطلاق فهمیدند. اطلاق فهمیدند که نسی ان یحلق حتی نفر. قال یحلق فی الطریق او أین کان؛ و لو بخاطر این‌که عرف غافل هست از این مطلب؛ مطلب مغفول‌عنه عامة الناس هست. و لذا تمسک به این اطلاق می‌کنند. ما به عنوان شبهه عرض کردیم؛ در ذهن تان باشد.

و لکن ممکن هست بعید نیست طبق همان فهم مشهور هم چون مردم نوعا غافلند، شرائطی است که مردم غافلند برای حلق و تقصیر بعد از نفر، غافلند که شرط زمانی دارد. چون غافلند اطلاق‌گیری می‌کنند. در حقیقت استفاده می‌کنیم از غفلة عامة الناس. و الا جاهای دیگر که می‌گویید قضاء بکند، آنجا می‌گویید ظهورش این است که قضاء بکند طبق همان شرائط نماز فوت شده یا روزه فوت شده؛ با همان شرائط. ظهورش این است. اینجا هم که می‌گوید حلق و تقصیر کنید طبق همان شرائط . مگر آن‌که الغاء کردیم شرطیتش را مثل شرطیت مکانی در این روایت. و لکن چون عامة الناس غافلند از این نکته و شاهدش هم این است که مشهور فقهاء که خواصند آن‌ها توجه به این نکته نکردند این کافی است برای این‌که اطلاق‌گیری بکنیم. اما این در مورد ناسی است؛ جاهل قاصر را هم به او ملحق می‌کنید فدای سرتان؛ اما جاهل مقصر را چرا؟

بله ما روایت علی بن ابی حمزه را قبول داریم. استصحاب بقاء وثاقت می‌کنیم. اگر نبود فائده‌ای برای استصحاب الا این استصحاب وثاقت علی بن ابی حمزه بطائنی کافی بود برای دلخوشی ما. سألته عن رجل جهل ان یقصر من راسه او حتی ارتحل من منی... . و لکن این روایت قطعا شامل نفر از مکه نمی‌شود؛ چون می‌گوید فلیرجع الی منی. این ارتحال از منی را می‌گوید. این انصراف دارد از انقضاء ماه ذیحجه. ولی قبل از نفر از مکه، قبل از انقضاء ماه ذیحجه این روایت خوب است. ما هم که گفتیم نیازی به این روایت نداریم.

[سؤال: ... جواب:] آن خصوصیت محتمل نیست که از مکه رفت بگوییم حجش باطل است. فوقش این است که بگوییم لازم نیست برگردد منی اما نه این‌که برگردد منی حلق و تقصیر بکند، ماه ذیحجه هم باقی است، به جرم این‌که از مکه رفتی بیرون به طرف جده، حجت باطل است، این‌که محتمل نیست.

[سؤال: ... جواب:] برای همین که قابل تدارک نیست شرط زمانی ما متاسفیم نمی‌توانیم تصحیح کنیم حج این شخص را در جاهل مقصر.

راجع به عالم عامد آقای خوئی فرمودند او هم اگر حلق و تقصیر نکند عمدا، حجش باطل نمی‌شود اگر ماه ذیحجه باقی است. صحیحه محمد بن مسلم کاملا روشن بیان کرده: عن ابی جعفر علیه السلام فی رجل زار البیت قبل ان یحلق فقال: ان کان زار البیت قبل ان یحلق راسه و هو عالم ان ذلک لاینبغی له فان علیه دم شاة. می‌فرماید اگر کسی قبل از حلق عالما عامدا طواف بکند طواف فریضه بجا بیاورد باید کفاره بدهد؛ ان علیه دم شاة. غالبا هم بعد از یوم العید خارج می‌شدند. یعنی حلق و تقصیر را در روز عید انجام نداده عمدا، رفته طواف کرده، یعنی نه این‌که همان روز عید برگردد حلق و تقصیر بکند، این روز عید عمدا حلق و تقصیر نکرده رفته مکه، در مکه طواف کرده حالا به او می‌گویی چون عمدا بوده باید گوسفند قربانی کنی، این متعارفش این است که روز عید حلق و تقصیر نکرده.

آقای خوئی چون تقصیر را و حلق را روز عید واجب می‌داند مجبور شده این‌ها را توجیه کند بگوید از این روایات کمک بگیرد. ما که اصلا می‌گوییم دلیل نداریم بر تعین حلق و تقصیر در یوم العید. اگر هم وجوب فوری را استفاده کنیم از روایات وجوب وضعی اصلا دلیل ندارد که شرط صحت حلق و تقصیر این است که در یوم العید باشد تا بیاییم به این صحیحه تمسک کنیم برای راه حل و چاره جویی، نخیر. و لذا ما نیازی به این روایت نداریم.

ان‌شاءالله ادامه بحث فردا.